

# در غیبت دیپلماسی حکومت افغانستان

سرمقاله

## گسترش ابعاد جنگ و انفعال دولت

محمد رضا هویدا

جنگ میان طالبان و دولت افغانستان، از جهات مختلفی در حال گسترش است. جغرافیای جنگ از شمال به جنوب گسترش یافته است و طالبان تلاش دارند تا جنگ را به سوی ولایات مرکزی نیز بکشانند. جنگ در شمال وضعیت ناآرامی را به وجود آورده است. قریه ها و مناطق و ولسوالی های زیادی یکی پس از دیگری در آتش جنگ می سوزند.

اما از سوی دیگر؛ طالبان اهداف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را هدف قرار می دهند. طالبان از سال گذشته و از آغازین روزهای سال با هدف قرار دادن پایه های برق که اقتصاد کشور بر آن می گردد، اولین نشانه های جنگ اقتصادی دولت افغانستان را به نمایش گذاشتند. طالبان در یک جنگ همه جانبه با دولت افغانستان به سر می برند. ضربه زدن به اهداف اقتصادی دولت در دستور کار طالبان است. ساخت سرک ها و راه های مواصلاتی نباید یکی از بزرگترین دستاوردهای دولت افغانستان باشد که بعد از سقوط حکومت طالبان داشته است. اما طالبان با انفجار و ماین گذاری در راه ها و شاهراه های کشور، ضربات جبران ناپذیری بر اقتصاد کشور وارد کرده اند. در تازه ترین مورد طالبان با تخریب پل آلچین که کنز را به ولسوالی های کلیات، امام صاحب، دشت ارچی و قلعه زال وصل می کند، در حقیقت بر اقتصاد و انتقال اموال تجاری به داخل کشور را ضربه زدند.

نیود برق، نیود سرک، نیود راه های مواصلاتی مناسب به اندازه نیود امنیت بر اقتصاد کشور تاثیر منفی دارد. در نیود سرک و برق، سرمایه گذاری در هیچ جای دنیا معنایی ندارد و هیچ سرمایه گذاری حاضر نخواهد بود تا تمام سرمایه خود را برای تأمین برق و رساندن مواد اولیه به کارخانه و همین طور رساندن تولیداتش به بازار به مصرف برساند.

از سوی دیگر، طالبان در آخرین روزهای هفته گذشته دانشگاه امریکایی در کابل را هدف قرار دادند. موجی از ناامنی بر مراکز تحصیلی سایه افکنده است. طالبان به هدف قرار دادن عرصه تحصیلات و فرهنگ کشور، طیف گسترده ای از کسانی را هدف قرار می دهند که نیروی محرکه فرهنگی جامعه به حساب می آیند و مغز متفکر کشور هستند. ایجاد جو ناامنی در اماکن تحصیلی، سبب می شود تا عرصه تحصیلات عالی که یکی از پر رونق ترین عرصه های فرهنگی در کشور است، آسیب پذیر شود. طالبان با حملات مکرر بر مکاتب، آتش زدن و تهدید معلمان و مدیران و حتا شاگردان مکاتب، ده ها مکتب را در ولایات نامن برای سالها مسدود نگه داشتند. هر چند بعید به نظر می رسد که طالبان بتوانند با حملات بر مراکز تحصیلی، جلو رشد و گسترش تحصیلات عالی را بگیرند، اما این حملات امنیت روانی که لازمه یک مکان تحصیلی است را از این مکان ها خواهد گرفت.

سیاست دولت در برابر تهدیدهای اقتصادی و فرهنگی که از سوی طالبان اعمال می شود، همانند دیگر عرصه ها منفعلانه و غیر موثر بوده است. هیچ راهکار پیشگیرانه ای برای جلوگیری از تهدیدهای اقتصادی در برنامه های دولت دیده نمی شود. به عنوان مثال نمی توان برنامه مشخصی برای تأمین امنیت لین های برق یا حفاظت سرک ها را در برنامه های دولت دید. همچنین برنامه مشخصی برای حفاظت اماکن تحصیلی و فرهنگی وجود ندارد. حصار کشیدن بر دور دانشگاه ها و موسسات تحصیلات عالی و استفاده از دیوارهای کانکریتی در تأمین امنیت موثریتی ندارد. تجربه های دردناک حملات انتحاری بر مکان هایی که از چنین تدابیر امنیتی استفاده می کردند، بیهودگی استفاده از خود را بسرای مبارزه با حملات طالبان بر عرصه های اقتصاد و فرهنگ مشخص سازد. آسیب پذیری این عرصه ها خطرناک تر از آسیب هایی در میدان جنگ بر یک طرف وارد می شود.

بعد از ظهر روز چهارشنبه روی دانشگاه امریکایی افغانستان حمله شد. در نتیجه آن ۱۳ کشته و بیش از ۴۰ فرد نظامی و ملکی زخمی شد. شورای امنیت ملی افغانستان جلسه اضطراری تشکیل داد. ریاست عمومی امنیت ملی اسنادی را به شورای امنیت ارائه نموده بود که نشان می داد؛ حمله در خاک پاکستان طراحی و سازماندهی شده بود. در پی آن اشرف غنی، رئیس جمهور با راحیل شریف، رئیس ستاد ارتش پاکستان تلفنی صحبت نمود و از خواست تا علیه برنامه ریزان حمله بر دانشگاه امریکایی افغانستان اقدام جدی نماید. در مقابل، راحیل شریف نیز به رئیس جمهور اطمینان داد بعد از بررسی موضوع از چگونگی اقدامات به دولت افغانستان معلومات خواهد داد.

ریچارد اولسن، نماینده ویژه آمریکا برای افغانستان و پاکستان و جان نیکلسون، فرمانده ارشد نیروهای آمریکایی در افغانستان به پاکستان رفته است و روی امنیت منطقه، چگونگی کنترل و مدیریت مرز مشترک افغانستان و پاکستان، ثبات منطقه با راحیل شریف، رئیس ستاد ارتش پاکستان بحث و تبادل نظر نموده است. در میان اما، با غیبت دیپلماسی حکومت افغانستان مواجه می باشیم. بر مبنای ادعای ریاست عمومی امنیت ملی اسناد و شواهد کافی از روابط سازمان های استخباراتی پاکستان با گروه های تروریستی و دهشت افکن در خاک افغانستان در دست دارد. با این حال، دستگاه دیپلماسی افغانستان عملا هیچ گونه اقدام برای جلب توجه و فشار بین المللی علیه پاکستان نمی کند. هزینه دیپلماسی منفعل اما، فاجعه بار بوده است.

چارلس کلفند، سخنگوی ماموریت حمایت طابع می گوید که در جریان هشت ماه گذشته، بیش از پنج هزار نیروی امنیتی افغانستان در جنگ کشته شده اند. آمار تلفات غیر نظامیان نیز دو برابر افزایش یافته است. این تمام هزینه نیست که جنگ تحمیل نموده است هزاران خانواده بر اثر بیجا شده اند. اقتصاد کشور با رکود مواجه شده است. هزاران شهروندان کشور راه بر خطر مهاجرت را در پیش گرفته اند و از گروه های مخالف مسلح دولت دعوت

بسیاری را در آب ها غرق و به کام نهنگ ها فرو رفته اند. سرک ها، ساختمان ها دولتی، خانه های مسکونی، پل ها و پلیگدها و ویران شده اند. با وجود همه این ها دستگاه دیپلماسی کشور قادر نیست کشورهای منطقه را متقاعد سازد که افغانستان با ثبات و امن خطری برای آن ها نیست و ثبات و امنیت در افغانستان به مثابه ثبات و امنیت کشورهای منطقه است. قریب به دو سال پیش، اشرف غنی قدرت سیاسی را به دست گرفت و کشورهای منطقه و همسایه را در اولویت سیاست خارجی خود قرار داد. به چین، پاکستان، عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا سفر نمود. نتیجه سفر های او نشست های چهارجانبه گفتگوی صلح با غیبت گروه طالبان و با شرکت افغانستان، پاکستان، ایالات متحده آمریکا و چین شد. چهار دور این نشست با شرکت مقامات بلند پایه چهار کشور برگزار شد. در دور پنجم این نشست سفیر و نماینده خاص رئیس جمهور در امور پاکستان حضور داشت. در پایان دور چهارم نشست چهار جانبه از گروه های مخالف مسلح دولت دعوت

رحیم حمیدی



شده تا نماینده های با صلاحیت خود را به اسلام آباد جهت گفتگو بفرستند. اما، به جز حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار هیچ گروهی حاضر به گفتگو نشد. این در حالی است که پاکستان متعهد شده بود تا گروه های مخالف مسلح دولت را به میز مذاکره بکشاند. پاکستان همچنین متعهد شده بود اگر گروه های مخالف مسلح دولت افغانستان حاضر به گفتگو و مصالحه نگردد این کشور علیه آن ها اقدامات نظامی خواهد نمود. گروه طالبان از شرکت در گفتگوی صلح ابا وزید. حکومت پاکستان نیز هیچ اقدامی علیه آن ها نکرد. در حالی که سرتاج عزیز، مشاور روابط بین المللی نخست وزیر پاکستان گفته بود که رهبران گروه طالبان در پاکستان به سر می برد و از خدمات صحنی این کشور استفاده می کند. این مسئله موجب شد روابط کابل-اسلام آباد تیره گردد. در مقابل، روابط افغانستان با هند گسترش یافت. افغانستان توافقنامه بندر چابهار را بسا ایران و هند امضا نمود. اجناس پاکستانی تحریم شد. همه این ها ممکن است به پاکستان ضربه وارد

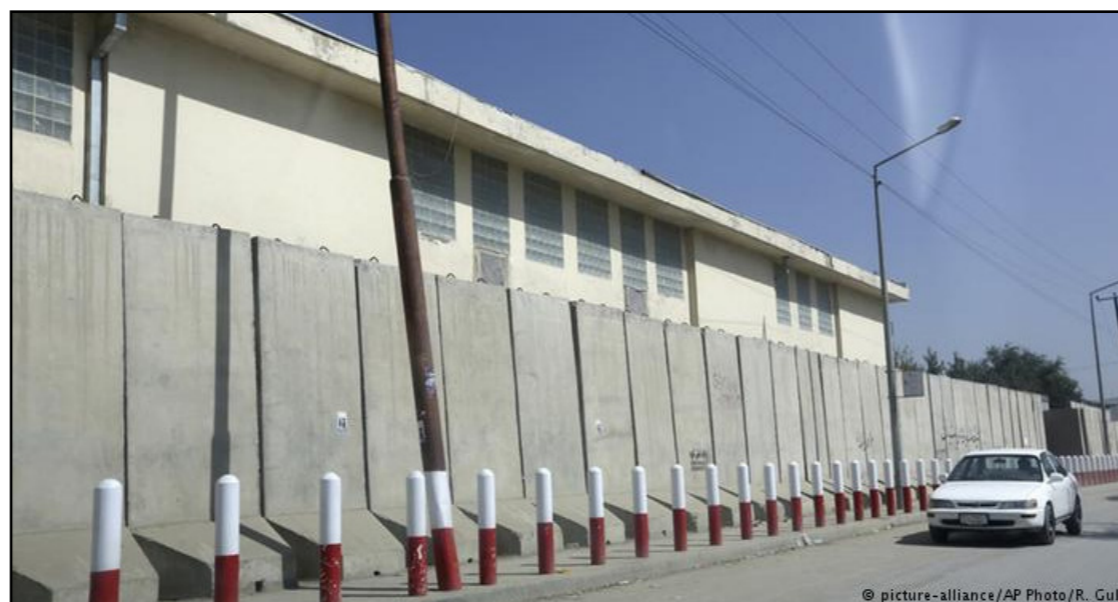
گزینه های برای بهبود روابط با پاکستان روی دست ندارد. بنابراین، ناامنی در افغانستان ادامه خواهد داشت.

انفعال دستگاه دیپلماسی کشور ریشه در فقدان استراتژی در سیاست خارجی ما دارد. در ماده شصت و چهارم قانون اساسی کشور آمده است که تعیین خطوط اساسی کشور و وظایف و صلاحیت های رئیس جمهور است تا آن را تدوین به تصویب شورای ملی برساند. تا هنوز، خطوط اساسی کشور تدوین نشده است. رئیس جمهور کرزی و اشرف غنی، رئیس جمهور کنونی کشور به این مسئله اهتمام نوریده است. شورای ملی نیز به صورت جدی از رئیس جمهور خواهان تدوین خطوط اساسی کشور نشده است. از این جهت، سیاست خارجی در رفتارهای شخص رئیس جمهور تبلور یافته است. فقدان استراتژی و خطوط اساسی کشور باعث شده است که ما سیاست های بالمقطع در قبال کشورهای اتخاذ نمایم و سیاست ما

قادر به پیش بینی وضعیت های خاص نباشد و نتواند گزینه تبدیل برای دوام سیاست خارجی و روابط خارجی با یک کشور باشد. به همین خاطر، ما فراز و نشیب زیادی را در روابط با کشورها شاهدیم. به همین خاطر، ما هزینه می پردازیم. آنچه نامید کننده است این است که چشم انداز روشن برای بهبود در روابط خارجی ما دیده نمی شود. هیچ اقدامی برای تدوین خطوط اساسی سیاست کشور نیز برداشته نشده است. اراده کافی برای این مهم نیز در وجود ندارد. نه رئیس جمهور به دنبال آن است دادن رئیس کشور دارد. زلمی خلیلزاد، پاکستان از گروه طالبان و شبکه حقانی به میان آورد. در آن زمان تحلیل ها بر این محور می چرخید که دستگاه دیپلماسی افغانستان فعال شده است و در ایالات متحده آمریکا فعالیت های علیه پاکستان شروع نموده است. اما، چنانچه ها هیچ نتیجه ای در پی نداشت. اگر چه کمک های نظامی آمریکا تا هنوز به پاکستان داده شده است اما، قطع کمک ها هیچ نتیجه برای ثبات و امنیت افغانستان نیز نداشته است. بنابراین، دستگاه دیپلماسی ما همچنان در انفعال به سر می برد و هیچ

# جوانان؛ از قربانیان آگاهی تا نسل آینده

مهدی مدیر



دادخواهانه جوانان، ایجاد رعب و وحشت کنند تا جرات برگزاری تجمعات از جوانان گرفته شود و همچنان رجوع مردم به مراکز آموزشی کمتر گردد.

اما بسیاری از جوانان در واکنش به این حمله ها، نوشتند که گروه های تروریستی نمی توانند آنها را متوقف بسازند، آنها همچنان برای آینده ی روشن، صلح آمیز و با ثبات تلاش می کنند و از آموختن و کسب علم و دانش دست بر نخواهند داشت. اکثر جوانان شبکه های اجتماعی نوشته بودند که آنها به گروه های تروریستی اجازه نمی دهند که به اهداف شوم شان برسند و جوانان کشور را از تحصیل باز دارند. بسیاری از دانشگاه امریکایی افغانستان خواسته بودند که دروازه این دانشگاه را دوباره باز کنند و آنها دوباره آنجا برای فرا گرفتن درس و دانش خواهند آمد.

نسل جوان سرمایه های معنوی یک جامعه هستند. هدف قرار دادن جوانان و نسل تحصیل کرده، به معنای هدف قرار دادن

جوانانی که در حمله به جنبش روشنایی، کاروان افسران اکادمی پولیس و دانشگاه امریکایی افغانستان کشته شدند، قربانیان آگاهی و دانایی هستند. آنها کسانی بودند که میخواستند با استفاده از آگاهی و دانش شان کشور شان را بازسازی بکنند و برای تحصیل کرده و دانش آموخته افغانستان از حالت جنگ خارج خواهد شد و بسوی ثبات و خشونت، تلاش ورزند.

در طول یک و نیم دهه ی گذشته جوانان افغانستان همواره نشان داده اند که از جنگ و خشونت بیزار هستند و برای صلح، امنیت و آرامش تلاش می کنند. بسیاری از جوانان را آتش ضد جنگ، افراطیت و ترور و انتحار از سوی جوانان راه اندازی و رهبری شده است. آنها پشتیبان و حامی همیشگی نیروهای امنیتی کشور بوده اند و همواره حمله های تروریستی و انتحاری را محکوم کرده اند و به برای قربانیان این حمله ها دادخواهی کرده اند.

حرکت های مدنی و دادخواهانه ی جوانان، باعث شده است که آگاهی عامه افزایش پیدا کند و کم کم قفسه ی نفوذ گروه های تروریستی تنگ تر گردد و آنها برای نفوذ در بین مردم و سرپازگیری، با چالش های جدی مواجه شوند. به همین خاطر است که آنها تلاش دارند تا گروه های از جوانان را مورد حمله قرار بدهند که در تلاش هستند تا مردم افغانستان را آگاه و متحد بسازند و چهره ی اصلی گروه های تروریستی را به مردم معرفی کنند. به همین خاطر آنها تلاش می کنند تا با هدف قرار دادن مراکز اکادمیک و تجمعات

آینده ی زیبا و روشن» دفن گردید. بسیاری از جوانان بر این باور هستند که گروه های تروریستی نمی خواهند نسل جوان افغانستان فرصت کسب دانش و آگاهی را داشته باشند. حمله به افسران اکادمی پولیس، جنبش روشنایی و دانشگاه امریکایی نشان داد که آنها دشمنان سواد و علم و دانش هستند و از آگاه شدن و سواد شدن جوانان افغانستان ترس و هراس دارند. به همین خاطر در کتاب هستند تا به هر نحوی شده است جوانان افغانستان را از تحصیل باز دارند و جوانان آگاه و تحصیل کرده را هدف حمله های شوم تروریستی قرار دهند. گروه طالبان پیش از این نیز سالیها تلاش کرده اند که کودکان و جوانان افغانستان را از مکتب رفتن باز دارند و از مکتب محروم کنند. آنها برای ایس کار بارها مکتب را آتش زدند، دانش آموزان ولایت های مختلف را مسموم کردند و در بین در مسیرهای مختلف دانشجویان و استادان دانشگاه را تهدید کردند، سربریدند و اختطاف کردند. آتش زدن مکتب از سوی طالبان عمل ناشناسی است که آنها نمی خواهند کودکان و نوجوانان افغانستان به مکتب بروند و سواد بیاموزند. زیرا آنها می دانند که اگر نسل جوان افغانستان آگاه شوند آنها دیگر قادر نخواهند بود که از بین آنها سرپاز گیری کنند و همچنان نمی توانند با سوء استفاده از دین، مذهب، قوم و زبان، تفرقه اندازی بکنند و با استفاده از این وضعیت نفوذ شان را بیشتر بسازند.

کرده بودند. همچنان در حمله به کاروان فارغین اکادمی پولیس، همه ی کشته شده ها افسران جوان و دانش آموخته بودند. پس از این سلسله حمله ها، نگرانی های نسل جوان و دانشجویان افزایش یافته است. بعد از حمله به دانشگاه امریکایی افغانستان بسیاری از آنها هدف قرار گرفتن مراکز اکادمیک ابراز نگرانی کرده بودند و نوشته بودند که درس خواندن و کسب آگاهی جرم نیست. بسیاری از هم با نشر عکس های دانشجویان و استادان این دانشگاه، این حمله را حمله بر آگاهی و آینده ی روشن افغانستان می دانستند. پس از یازدهم سپتامبر و سقوط رژیم طالبان، افق های جدیدی بر روی جوانان افغانستان گشوده شد. بسیاری از جوانان افغانستان در طول این سالها و با استفاده از فرصت به دست آمده، تلاش کردند که درس بخوانند و تخصص حاصل نمایند تا بتوانند به ساختن دوباره کشور شان کمک کنند. اکثر دانشجویان کشته شده در حمله به دانشگاه امریکایی افغانستان نیز از کسانی بودند که با رویای ساختن دوباره افغانستان برای تحصیل و کسب دانش، به این دانشگاه رفته بودند. یکی از کشته ها «سمیع سروری» بود که از انستیتوت موسیقی افغانستان فارغ شده بود و بورسیه کامل دانشگاه امریکایی را به دست آورده بود. او در روز ورودش به دانشگاه در صفحه فیسبوکش نوشته بود: «من در دانشگاه هستم و بسوی آینده ی زیبا و روشن می نگرم». سمیع در دومین روز ورودش به دانشگاه کشته شد و با آرزوی



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا  
سردبیر: حفیظ الله زکی  
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری  
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۲۷